

فشار بر زنان در ایران ادامه دارد!

صدای زنان حق طلب و مبارز را رساتر سازیم!

روناک آشناگر

گزارشات روزانه مطبوعات در ایران در روزهای اخیر خبر از تنگ‌تر شدن عرصه زندگی بر زنان ایران دارد. خبرهایی که قبل از هر چیز نشان از ترس و وحشت رژیم در مصاف با حق طلبی نیمی از جامعه دارد. گسیل و یورش اینبار اوباشان جمهوری اسلامی، بر تولیدکنندگان و فروشندگان مانتوهای تنگ و چسبان، بدن‌نما و کوتاه، در جهت آفریدن هر چه بیش‌تر رعب و وحشت در جامعه است. رسانه‌ها از هجوم "لباس شخصی‌ها" به فروشگاه‌ها و پاساژهای گلستان و میلاد واقع در شهرک غرب و همچنین مرکز عمده‌فروشی مانتو در تهران خبر دادند. از طرف رئیس اتحادیه صنف پوشاک تهران، اطلاعیه‌ای در اختیار واحدهای صنفی تولیدکنندگان و فروشندگان این نوع لباس و مانتوها داده شده که یک ماه فرصت دارند این نوع لباس‌ها را جمع‌آوری کنند و از طرف همین اتحادیه تاکید شد، در صورتی که تولیدکنندگان و فروشندگان اقدام به جمع‌آوری این نوع لباس‌ها نکنند به دادگاه معرفی و طبق دستور قاضی به جرم آنان رسیدگی خواهد شد.

ضرب و شتم و تهدیدات رژیم که می‌خواهد با این حمله خود با یک تیر دو نشان بزند یعنی هم تولیدکنندگان و فروشندگان این لباس‌ها را هدف قرار بدهد و هم کسانی که این لباس‌ها را می‌پوشند اما، بر اساس گزارشات منتشر شده، این یورش جدید رژیم، کارساز نبوده و اغلب مانتوفروشی‌ها مغازه‌های خود را با تغییرات جزئی در ویتترین‌هایشان، هم‌چنان مانتوهای تنگ و رنگی می‌فروشند و تمایل زنان نیز به خرید این نوع لباس‌ها، نه تنها کاهش نیافته است بلکه، افزایش نیز پیدا کرده است.

فشار قبل از یورش اخیر از طرف شواری عالی بانک‌ها به زنان نیز در روزهای قبل‌تر بود که به کلیه بانک‌ها اعلام کرد که به خاطر حفظ شعائر اسلامی، از به کار گماردن زنان در پشت‌باجه‌ها برای انجام امور بانکی خودداری کنند. چرا که از نظر آنان خانم‌های پشت‌باجه‌های بانک، باعث تحریک شهوت مردان و بداخلاقی آنان می‌شوند. چنین موضعی تحقیر زنان و مردان آزادی‌خواه است که باید شدیداً مورد اعتراض اجتماعی قرار گیرد!

سران و سرکوب‌گران رژیم، با بوجود آوردن چنین فضا و شرایط اختناق‌آمیز و زن‌ستیزانه در جامعه، با فشارهای مذهبی و پند و اندرزهای تحقیرآمیز اخیر خود برگ سیاه دیگری را بر همه محرومیت‌های دیگر که زنان و مردان زحمتکش و آزادی‌خواه با آن دست به گریبانند، افزودند. رژیم، علاوه بر تحقیر و بی‌حقوقی‌ای که در این رابطه بر زنان تحمیل می‌کند، چهره مرد را نیز هم‌چون

حیوانی وحشی می‌نمایاند که هر لحظه با دیدن موی سر یا قسمتی از بدن لخت زن، به آن حمله‌ور می‌شود، این توهینی بزرگ بر کل جامعه ایران است.

در حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی و مردسالار آن، حمله به حضور وسیع زنان در امور اجتماعی و تولید، تبعیض و ستم مضاعف بر زنان در ایران، به یک امر عادی و همیشگی تبدیل شده است و این سیاست وحشیانه و قرون وسطایی، نه تنها پایان نمی‌یابد بلکه روز به روز نیز به اشکال متفاوت و به بهانه‌های غیر انسانی گسترش می‌یابد و این در شرایطی است که امروز در ایران زنان بخش مهمی از نیروی کار کشور را تشکیل می‌دهند. در کارخانجات مثل یک کارگر به کار مشغولند، اغلب کارگران کارگاه‌های کوچک را مثل کارگاه‌های قالی‌بافی، خیاطی و... را زنان تشکیل می‌دهند و اداره آن به دست زنان می‌باشد و با فروش نیروی کار ارزان خود تولید سرمایه‌داران و صاحبان قدرت را پرثمرتر و سودآورتر می‌کنند. امروز اکثریت دانش‌جویان دانشگاه‌های کشور را دختران تشکیل می‌دهند. از طرف دیگر زنان مثل کارگران خانگی نیروی اصلی و همیشگی در این عرصه می‌باشند که هرگز در مقابل کار خانگی که بعد از چندین ساعت کار طولانی در بیرون از خانه، نه تنها مزدی دریافت نمی‌کنند بلکه، مثل یک نیروی کار بی‌اجر و مزد، اگر از آن امتناع کنند و یا این‌که قادر به انجام آن نباشد مورد مواخذه قرار می‌گیرند. زنان در محیط کار در یک شغل برابر دستمزد کم‌تر به نسبت مردان دریافت می‌کنند؛ به خاطر زن بودنشان تحقیر می‌شوند و یا مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند. به خاطر زن بودنشان مجبورند یک تنه به کارگران خانگی بدون دریافت کوچک‌ترین دستمزدی تن دردهند. همچنین حق مواظبت و بچه‌داری به عهده زن است، ولی در عوض حتا از حق قیمومت بچه خودش محروم هستند. خلاصه کلام زنان، در حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، هیچ‌گونه امنیت جسمی و بهداشتی ندارند.

مزید بر همه این بی‌حقوقی‌ها، رژیم از هر حربه‌ای برای بیش‌تر به اسارت کشیدن فکر و جسم زن استفاده می‌کند تا بتواند بهتر و طبق آن قوانین وحشی خود به زنان حمله‌ور شود و آن را به جامعه مثل جسمی فرودست بقبولاند تا راحت‌تر هم مورد ستم و توهین و تحقیر و استثمار قرار گیرند.

زنان چه در محیط کار و چه در کل جامعه، مرتب مورد آزار و اذیت هستند، توسط اوباش‌ترین رژیم، مورد بی‌حرمتی و حمله قرار می‌گیرند؛ سنگسار می‌شوند؛ شلاق می‌خورند و به بهانه بی‌حجابی و یا بدحجابی و به بهانه پوشیدن مانتوی تنگ و کوتاه تیغ به صورتشان زده می‌شود. به بهانه مبارزه با زنان فاسد، باندهای رژیم، قتل‌های زنجیره‌ای زنان طراحی می‌کنند و عده‌ای از این زنان نگوئبخت را به فجیع‌ترین شکل به قتل می‌رسانند و...

ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، زندانی واقعی برای زنان به عنوان شهروند درجه دو، جنس دوم، ضعیفه و... تبدیل شده است. اولین قدم خلاصی از این جهنم برای زنان، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و لغو فوری کلیه قوانین ارتجاع اسلامی، مردسالار و ضد زن است.

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۰۷

۲ جون ۲۰۰۲